

# Contemporary Islamic law Debate

## A Comparative Analysis of the Precautionary Principle in Civil Liability under Modern French Law, Islamic Jurisprudence, and Iranian Law

Mostafa Harati <sup>1</sup>

1 . Assistant Professor, Department of Private Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran - harati.mostafa2020@gmail.com

### Abstract

The precautionary principle, in the context of civil law—especially when dealing with environmental issues and public health—basically means we have to take preventive measures to avoid potential harm. What this principle is really getting at is that liability doesn't only make sense after damage has already happened; rather, it has its roots in forward-looking actions that stop harm from occurring in the first place. At the international and European levels, this idea has become well established as a turning point—shifting away from a purely compensatory logic toward a preventive one—and it's pushed national legal systems toward accepting liability even when there's scientific uncertainty.

Now, looking at French law: judges there, relying on a duty of caution and foresight, have taken the traditional concept of fault to a whole new stage. These days, simply failing to anticipate or properly assess a risk can itself be treated as a source of liability.

---

**Cite this article:** Harati, Mostafa V. (2025). A Comparative Analysis of the Precautionary Principle in Civil Liability under Modern French Law, Islamic Jurisprudence, and Iranian Law. *Contemporary Islamic Law Debate*, 3(5), p. 111-138.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.22971.1187>

**Received:** 2025/01/24

**Revised:** 2025/04/25

**Accepted:** 2025/07/11

**Available online:** 2025/09/22

**Type of article:** Research Article

**Publisher:** Al-Mustafa International Community

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



That's how the precautionary principle, alongside compensation for damages, turns into a standard for careful conduct. Its goal was to protect collective interests before any injury actually occurs. In Iranian law, by drawing on jurisprudential foundations like the rules of \*lā ḡarar\* (no harm) and \*ṭasbīb\* (causation), it's actually possible to align this approach with the spirit of distributive justice. Why? Because in this legal system, failing to exercise foresight and caution is seen as causing harm to someone else—and that elevates civil liability from a merely compensatory institution to a preventive one. The bottom line is that civil liability, when viewed through the lens of the precautionary principle, becomes an active mechanism for safeguarding the public interest and maintaining social order. Its role shifts from mere compensation to effective prevention.

**Keywords:** Precautionary principle; Prevention of harm; Distributive justice; Fault and caution; Jurisprudence of liability

## تحلیل تطبیقی اصل پیش بینی در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق جدید فرانسه، فقه و حقوق ایران

مصطفی هراتی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، harati.mostafa2020@gmail.com

### چکیده

اصل پیش بینی در قلمرو حقوق مدنی، به ویژه در حوزه های محیط زیست و سلامت، بر ضرورت اتخاذ تدابیر احتیاطی برای جلوگیری از زیان های محتمل دلالت می کند. این اصل بر آن است که مسئولیت، تنها پس از تحقق ضرر معنا نمی یابد، بلکه ریشه در رفتارهای پیش دستانه ای دارد که مانع پیدایش خسارت می شود. در گستره بین المللی و اروپایی، این اندیشه به عنوان نقطه گذار از منطق جبرانی به منطق پیشگیرانه تثبیت شده است و نظام های حقوقی ملی را به سوی پذیرش مسئولیت در وضعیت عدم قطعیت علمی سوق داده است. در حقوق فرانسه، قاضی با تکیه بر تعهد به احتیاط و تدبیر، مفهوم تقصیر را از حالت سنتی به مرحله ای رسانده است که ناتوانی در پیش بینی و ارزیابی خطر، خود می تواند منبع مسئولیت تلقی شود. بدین سان، اصل پیش بینی در کنار جبران خسارت، به سنجه ای برای رفتار محتاطانه تبدیل می شود و هدف آن حمایت از مصالح اجتماعی پیش از وقوع

استناد به این مقاله: هراتی، مصطفی (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی اصل پیش بینی در حوزه مسئولیت مدنی در حقوق جدید فرانسه، فقه و حقوق ایران. گفتمان حقوق اسلامی معاصر، ۳(۵)، ص ۱۳۸-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.22971.1187>

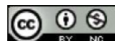
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه

۱۴۰۴ © نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



آسیب است. در حقوق ایران نیز با استناد به مبانی فقهی چون قاعده لاضرر و تسبیب، امکان تطبیق این نگرش با روح عدالت توزیعی فراهم آمده است؛ زیرا در این نظام، ترک پیش‌بینی و تدبیر به معنای اضرار به غیر محسوب می‌شود و مسئولیت مدنی را از حالت صرفاً جبرانی به نهاد پیشگیرانه ارتقا می‌دهد. نتیجه آن است که مسئولیت مدنی در پرتو اصل پیش‌بینی، به سازوکاری فعال برای صیانت از منافع عمومی و استمرار نظم اجتماعی تبدیل می‌شود و نقش آن از جبران صرف به پیشگیری مؤثر تحول می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** اصل پیش‌بینی؛ پیشگیری از خسارت؛ عدالت توزیعی؛ تقصیر و احتیاط؛ فقه مسئولیت

حقوق مسئولیت مدنی از نخستین سیاست‌های تقنینی قانون‌گذار به شمار می‌آید و از زمان شناسایی آن در نظام مدنی فرانسه، حقوق‌دانان نظریات متنوع و گوناگونی را در تبیین مبانی و اهداف آن ارائه کرده‌اند. این شاخه از حقوق در درجه نخست، تجلی مفاهیم والای اخلاقی است که بر ضرورت جبران کامل خسارت وارد بر زیان دیده تأکید دارد؛ در مرتبه دوم، در کنار وظیفه جبران ضرر، اصولی چون تنبیه رفتار منتهی به خسارت، کاهش اسباب ورود زیان و اخلاقی‌سازی مفهوم جبران را تقویت می‌کند. در قرن بیستم، پرسش اساسی میان نظریه‌پردازان این بود که آیا باید دامنه مسئولیت مدنی را تا جبران خسارات ناشی از عوامل غیرمقصر نیز گسترش داد یا خیر؟ این نگرش در قرن بیست و یکم دچار دگرگونی شد و پرسش تازه‌ای مطرح گردید مبنی بر اینکه آیا در خسارات مرتبط با محیط زیست نباید تأکید بر پیشگیری مقدم بر جبران باشد و آیا نباید از رفتارهای مخرب فردی به سوی اعمال ویرانگر گروهی و جمعی گذر کرد؟ در این میان، نسبت اصل پیش‌بینی با سایر اصول حقوقی موضوع بحث جدی بوده است؛ زیرا از یک سو این اصل عمدتاً در قلمرو حقوق محیط زیست اثرگذار تلقی می‌شود؛ از سوی دیگر، پذیرش آن تحولی بنیادین در حوزه مسئولیت مدنی ایجاد می‌کند و مفهوم مسئولیت را از وضعیت صرفاً جبرانی به مرحله‌ای پیشگیرانه و آینده‌نگر سوق می‌دهد (Maljean-Dubois, 2008, p 102). حقوق بین‌الملل و مقررات اروپایی ناظر بر حفظ محیط زیست، منشأ نخستین شکل‌گیری اصل پیش‌بینی را تشکیل می‌دهد. در حقوق داخلی فرانسه نیز از دیرباز حفظ طبیعت و جلوگیری از بروز خسارات زیست‌محیطی از دغدغه‌های اصلی قانون‌گذار بوده است. بر اساس ماده ۱۵ قانون پادشاهی سال ۱۹۹۲ فرانسه، کلیه دولت‌ها موظف‌اند در مواردی که احتمال وقوع حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر و سنگین وجود دارد و از نظر علمی امکان اثبات قطعی آن میسر نیست، تمامی اقدامات احتیاطی لازم را برای جلوگیری از زیان‌های احتمالی به کارگیرند. این رویکرد در مقررات بعدی نیز استمرار یافته و در قوانین مرتبط با حقوق طبیعت به صورت جامع و اختصاصی مورد توجه قرار گرفته است. هدف قانون‌گذار در تمام این موارد

آن بوده است که هرچند از منظر علمی امکان حصول یقین به وقوع خطر وجود ندارد؛ اما صرف وجود احتمال وقوع، تکلیف به پیش‌بینی و اعمال تدابیر معقول پیشگیرانه را ایجاب می‌کند. چنین نگرشی، پیوند مستقیمی میان مسئولیت عمومی و ضرورت اقدام محتاطانه برقرار می‌سازد و پایه‌های تحول مسئولیت مدنی را از پاسخ به ضرر واقع شده به سمت پیشگیری از زیان‌های محتمل استوار می‌کند (Ewald, Sadeleer, Gollier, 2008, p 23).

اصل پیش‌بینی ضرر، از حیث ماهیت ناظر بر ضرورت اتخاذ اقدامات احتیاطی متناسب با شرایط و اوضاع موجود است. این اصل در عمل در مواردی اعمال می‌شود که خطر وقوع خسارات سنگین و چشمگیری وجود دارد، هرچند دلایل علمی برای اثبات قطعی آن در دسترس نباشد. بر اساس همین وضعیت می‌توان تفاوت میان موضوع مورد پژوهش و اصل پیشگیری را تبیین کرد؛ زیرا اصل اخیر به خساراتی ناظر است که از لحاظ علمی وقوع آنها شناخته شده و قابل احراز است، درحالی‌که اصل پیش‌بینی در بستر تردید و عدم قطعیت شکل می‌گیرد. اهمیت این اصل در دوران معاصر به‌ویژه افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که با تلاش نهادهای قانون‌گذاری ملی و فراملی، قلمرو آن از حوزه محیط زیست فراتر رفته و در زمینه‌های بهداشت و سلامت عمومی نیز تسری یافته است (Brücker, 2007, p 69). امروزه بیماری‌هایی چون کرونا با زتاب روشن همین نگرش هستند. انسان موجودی اجتماعی است و در کنش‌های متقابل گروهی زندگی می‌کند؛ رفتار هر فرد می‌تواند بر سلامت و امنیت دیگران اثرگذار باشد. بر همین اساس رعایت احتیاط‌های لازم برای جلوگیری از انتقال زیان یا آسیب به سلامت دیگران نه تنها وظیفه‌ای اخلاقی، بلکه الزام‌آور از منظر حقوق مسئولیت مدنی به شمار می‌آید.

در فقه امامیه، هرچند عنوان مستقلی تحت نام اصل پیش‌بینی ضرر مطرح نشده است، اما مبانی و قواعد معتبر فقهی به گونه‌ای سامان یافته‌اند که ماهیت این اصل را در دل خود جای داده‌اند. مهم‌ترین این مبانی، قاعده لاضرر است که نه تنها نفی حکم ضرری می‌کند، بلکه به موجب آن هرگونه رفتار یا ترک فعلی که عرفاً منشأ ضرر احتمالی بر دیگری باشد،

ممنوع و موجب ضمان دانسته می‌شود (محقق کرکی، ۱۳۷۴ ه. ش، ص ۱۵۶). افزون بر این، قاعده تسبیب نیز قلمرو وسیعی برای مسئولیت ایجاد می‌کند و فقیهان امامیه، وقوع نتیجه ضرری را منوط به تقصیر بالفعل ندانسته‌اند، بلکه کافی است فعل شخص عرفاً در معرض ایجاد زیان باشد تا ضمان ثابت گردد. این گستره مبنایی در کنار قاعده اتلاف که بر مطلق اتلاف مال یا نفس در صورت احتمال عقلایی زیان ضمان را بار می‌کند، نشان می‌دهد که نظام فقهی امامیه اساساً بر رفتار محتاطانه و دفع ضرر محتمل استوار است. افزون بر این، مفهوم احتیاط در اصول فقه که بر تقدیم دفع مفسده محتمله بر جلب منفعت قطعی تأکید دارد، بیش از پیش مبنای نظری اصل پیش بینی را تقویت می‌کند؛ زیرا شارع در موارد تراحم، دفع ضرر احتمالی را مقدم بر تحقق نفع واقعی می‌داند (خویی، ۱۴۰۴ ه. ش، ص ۲۶۹). برآیند این مبانی آن است که در منطق فقه امامیه، مسئولیت مدنی تنها پس از تحقق زیان شکل نمی‌گیرد، بلکه ترک رفتار پیشگیرانه به‌ویژه در فرض وجود احتمال عقلایی ضرر، خود موضوع ضمان و تعهد شرعی تلقی می‌شود.

در حقوق ایران، گرچه مفهوم اصل پیش بینی به صورت مستقل در متون قانون‌گذاری یا ادبیات فقهی صراحت نیافته است، اما بنیان‌ها و قواعدی دلالت بر پذیرش تلویحی این اصل دارند (غمامی، ۱۴۰۱ ه. ش، ص ۲۵۶). در همین راستا، قاعده حرمت ایذا نیز تکلیف عقلی و شرعی بر صیانت از سلامت و امنیت دیگران را تقویت می‌کند. این دو قاعده از نظر مبنایی، رفتار محتاطانه و پرهیز از خطرات بالقوه را واجب می‌شمارند و می‌توان آنها را هم‌سنگ مفهوم پیش بینی در حقوق فرانسه دانست. به لحاظ تقنینی، مقررات قانون مدنی ایران نیز واجد زمینه‌هایی است که رویکرد پیش بینانه در آن قابل تشخیص است؛ برای مثال مواد مرتبط با ضمان قهری ناشی از تعدی و تفریط (مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ق. م.) ناظر بر وظیفه احتیاط در حفظ حقوق و اموال دیگران اند و ترک رعایت این احتیاط حتی در نبود ضرر بالفعل از موجبات مسئولیت محسوب می‌شود. همچنین ماده ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌دارد هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله

اضرار به دیگران قرار دهد، از حیث ماهیت، جلوه‌ای روشن از اصل پیش‌بینی خسارت است و مباحث حقوقدانان نیز بر لزوم سنجش آثار احتمالی رفتار بر حقوق دیگران تأکید دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۸۶).

در ارتباط با اصل ضرورت پیش‌بینی خسارات، پرسش‌های بنیادینی مطرح می‌شود که پاسخ به آنها برای تبیین جایگاه این اصل در نظام مسئولیت مدنی ضروری است. نخست باید دید آیا ضرورت پیش‌بینی زیان، خود یکی از اصول اساسی در قلمرو مسئولیت مدنی به شمار می‌آید یا خیر؟ مسئله دیگر آن است که شرایط ماهوی و شکلی اقدام پیشگیرانه چه ویژگی‌هایی دارد و تا چه اندازه، معیارهای آن قابل تعیین و اعمال است؟ همچنین این پرسش مطرح می‌شود که هنگامی که ضرر از دیدگاه علمی واجد قطعیت نیست، چگونه می‌توان مفهوم آن را تفسیر کرد و حدود مسئولیت اشخاص را مشخص ساخت؟ از سوی دیگر، باید روشن شود نقش حقوق مسئولیت مدنی در تجویز و الزام به اتخاذ تدابیر احتیاطی پیشگیرانه از زیان‌ها چیست و تا چه اندازه می‌توان آن را مبنای الزام قانونی دانست؟ درنهایت، این پرسش طرح شدنی است که آیا اصل پیش‌بینی خسارت را می‌توان به منزله ترمزی در مسیر آزادی فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تلقی کرد؛ به گونه‌ای که موجب برقراری تعادل میان آزادی اقتصادی و صیانت از منافع عمومی گردد؟ مجموعه این پرسش‌ها، همواره از سوی حقوقدانان مورد توجه بوده است و پژوهش حاضر می‌کوشد با تحلیل مبانی نظری و فقهی، پاسخی روشن به آنها ارائه دهد و جایگاه اصل پیش‌گفته را در نظام مسئولیت مدنی ایران تبیین کند.

### ۱. تأثیر اصل پیش‌بینی بر حقوق مسئولیت مدنی

تأثیر اصل پیش‌بینی بر حقوق مسئولیت مدنی فرانسه را از سال ۱۹۹۵ به‌گسترده‌تری دکتترین حقوقی بررسی کرده‌اند. در میان آثار منتشرشده، پژوهش ژیل مارتن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ وی با تحلیل ماهیت خطای مدنی، تأکید می‌کند شخصی که تدابیر احتیاطی لازم را

برای پیش‌بینی خسارت‌های محتمل اتخاذ نکرده است، از منظر حقوقی مقصر محسوب می‌شود؛ در نتیجه مسئولیت مدنی بر عهده او قرار می‌گیرد. سه سال بعد، در گزارشی رسمی از سوی وزارت دادگستری فرانسه، دیدگاهی مشابه تأیید شد؛ به موجب این گزارش، قصور در انجام اقدامات احتیاطی نه تنها مصداق تقصیر تلقی می‌شود، بلکه می‌تواند مانعی برای احراز شرایط اثباتی دعوای مسئولیت مدنی به شمار آید و از موجبات رد دعوا محسوب گردد (Ewald, Sadeleer et Gollier, 2008, p 78). با این حال، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دامنه اصل پیش‌بینی منحصر در حوزه مسئولیت دولت و مقامات عمومی است؛ بدین معنا که دولت و کارگزاران آن مکلف اند اقدامات لازم را برای حفظ سلامت عمومی و صیانت از محیط زیست اتخاذ کنند و این الزام را نمی‌توان به اشخاص حقیقی تسری داد (Mazeaud, 2001, p 72). در برابر، گروهی دیگر از نویسندگان این محدودسازی را مردود دانسته‌اند و استدلال می‌کنند که مفهوم احتیاط و الزام به پیش‌بینی زیان نه تنها در روابط عمومی، بلکه در روابط خصوصی و فردی نیز قابل تصور و اعمال است.

در تبیین مفهوم اصل پیش‌بینی، دو نکته اساسی باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد؛ نخست: نسبت میان این اصل و ضرورت جبران خسارت است؛ زیرا این پرسش مطرح می‌شود که آیا تحقق کامل جبران خسارت در هر حال ممکن است؟ پاسخ به این پرسش آسان نیست و بستگی دارد به اینکه چه تعریفی از مفهوم مسئولیت مدنی ارائه شود. در نگرش کلاسیک، جبران خسارت نه تنها مبنای شکل‌گیری، بلکه هدف نهایی حقوق مسئولیت مدنی به شمار می‌آید. در بیشتر تعاریف و فرهنگ‌های حقوقی، اصطلاح مسئولیت با جبران ضرر مترادف دانسته شده و دغدغه اصلی حقوق دانان سنتی آن بوده است که از طریق قواعد مسئولیت، زیان‌های ناروا و غیرعادلانه وارد به غیر کامل جبران گردد (Fabre-Magnan, 2013, p 139). بدین ترتیب، اعاده وضع زیان دیده به حالت پیشین به مثابه رکن جدایی‌ناپذیر نظام مسئولیت مدنی تلقی می‌شد. حتی ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی پیشین فرانسه نیز تصریح می‌کرد هر کسی به دیگری زیانی وارد آورد، ملزم به جبران

آن است. با این حال، اصل پیش‌بینی به عنوان پاسخی تحول‌گرا به همین پرسش ظاهر می‌شود. هرچند جبران خسارت همچنان مأموریت بنیادی حقوق مسئولیت مدنی باقی مانده است، اما این نظام تنها به بازگرداندن وضعیت پس از زیان بسنده نمی‌کند و باید راهکارهای لازم را برای اجتناب از وقوع زیان‌های سنگین و جبران‌ناپذیر نیز پیش‌بینی کند. بنابراین در کنار لزوم جبران قانونی خسارت، ضرورت اتخاذ تدابیر احتیاطی و پرهیز از رفتارهایی که می‌تواند منشأ رویدادهای زیان‌بار شود، بخش تکمیلی و پیشگیرانه مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد (Gilles, Martin, 2005, p 278).

از منظر پیشگیری از ورود خسارت، باید اذعان داشت که این مفهوم در نظام حقوقی دارای جایگاه مشخص است. در واقع جبران زیان نه تنها کارکرد ترمیمی دارد، بلکه غیرمستقیم موجب پیشگیری از بروز ضررهای آتی نیز می‌گردد. بنابراین قانون با تأکید بر اجتناب از رفتارهای مخرب و تقصیرآمیز که منتهی به خدشه در حقوق و اموال دیگران می‌شود، به تعامل میان دو کارکرد پیشگیری و جبران توجه دارد. از دیدگاه اقتصادی حقوق، تحقق این تعامل مستلزم وجود رابطه‌ای میان هزینه‌های جبران خسارت و آثار بازدارنده اقدامات پیشگیرانه است. بر پایه‌ی این تحلیل، زیان دیده استحقاق دریافت غرامت را دارد؛ با این وجود، باید از ایجاد خسارت‌های آینده که می‌تواند بر وضعیت فعلی مترتب گردد، پرهیز شود. به عبارت دیگر، خسارت مورد بحث در این زمینه اغلب ماهیتی بالقوه دارد و هدف حقوق مسئولیت مدنی آن است که با اعمال تدابیر احتیاطی، از تبدیل این خسارت بالقوه به خسارت بالفعل جلوگیری شود (Morvan, 1999, p 198).

در حقوق ایران، هرچند اصل پیش‌بینی به معنای خاص به صراحت در قوانین ذکر نشده است، اما مبانی فقهی و قواعد عمومی مسئولیت مدنی آن را به صورت ضمنی پذیرفته‌اند (اسماعیلی، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۱۳۸). به بیان دیگر، کوتاهی در تمهید اسباب پیشگیری از ضرر گرچه بدون سوءنیت، می‌تواند مصداق تقصیر محسوب گردد. این برداشت در رویه

قضایی نیز ظهور یافته است؛ به ویژه در دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث پیش بینی نا\ذیر، دادگاه‌ها با استناد به اصول انصاف و مصلحت عمومی، میان مفهوم پیش بینی ناپذیری و امکان احتیاط تمایز قائل شده‌اند و در مواردی که امکان اتخاذ تدبیر احتیاطی وجود داشته باشد (یزدانیان، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۱۷۳)، دولت یا شخص حقیقی را مسئول دانسته‌اند؛ از این رو در نظام حقوقی ایران نیز همانند حقوق فرانسه، مفهوم پیش بینی با رفتار متعارف و احتیاط آمیز هم معنا و مکمل اصل جبران خسارت تلقی می‌شود. در هر دو نظام حقوقی فرانسه و ایران، تحول مسئولیت مدنی از کارکرد صرفاً جبرانی به نقش بازدارنده و پیشگیرانه با پذیرش ضمنی اصل پیش بینی همسو است. در فرانسه، دکترین نوین با الهام از تحلیل‌های حقوقدانان، این اصل را ابزاری برای توزیع بهتر خطر و کنترل اجتماعی اقامه دعوی می‌داند، در حالی که در ایران، اندیشه فقهی مبتنی بر منع ضرر و تأکید بر تقوا و احتیاط، همان کارکرد را در سطح رفتاری و عرفی ایفا می‌کند. در نتیجه اگرچه قانون‌گذار ایرانی اصل پیش بینی را به صراحت قانونی نکرده است، ساختار مفهومی قواعد فقهی و مدنی کشور، ظرفیت پذیرش همین دکترین را دارد؛ بدین معنا که در برابر مخاطرات جدید مانند خطرهای فناوری، محیط زیست و بهداشت عمومی، مسئولیت مدنی باید از حالت واکنشی به سمت پیشگیرانه حرکت کند. به این ترتیب، اصل پیش بینی به جای آنکه صرفاً یک قاعده زیست محیطی باشد، به اصول بنیادین عدالت ترمیمی و اجتماعی حقوق مدنی پیوند می‌خورد (میرشکاری و صمدی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۲۵۸).

## ۲. شناسایی اصل پیش بینی نزد محاکم

با نگاهی به تحولات حقوق مسئولیت مدنی و بررسی آرای قضایی فرانسه، تردیدی در پذیرش اصل پیش بینی باقی نمی‌ماند؛ هرچند شناسایی دقیق آن مستلزم بررسی در سه بُعد جایگاه، منابع و نقش این اصل نزد دادرسان مدنی است. در وهله نخست باید گفت جایگاه

اصل پیش‌بینی در آرای محاکم فرانسه ثابت و یکسان نیست. با وجود آنکه دکترین حقوقی غالباً با احتیاط از آن یاد کرده و بیشتر به تلویح بدان اشاره کرده‌اند، قضات در مقام استدلال به صراحت این اصل را پذیرفته‌اند و در بخش‌های مختلف آرای خود به‌ویژه در قسمت دلایل رأی، استنادات مستقیم بدان دیده می‌شود. در موارد گوناگون، دادرسان از ضرورت پیش‌بینی برای پیشگیری از خطرات سخن گفته‌اند؛ چنان‌که در مقطعی، محاکم فرانسه با توجه به نگرانی از آثار زیان‌بار احتمالی دکل‌های مخابراتی تلفن همراه بر سلامت عمومی، بر اعمال تدابیر علمی مؤثر برای پیشگیری تأکید نمودند. این رویکرد بعدها در سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی نیز نمود یافت. از حیث منابع حقوقی، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نظام‌های داخلی و بین‌المللی به‌ویژه مقررات محیط‌زیستی، پشتوانه غنی برای پذیرش قضایی اصل پیش‌بینی فراهم آورده‌اند و محاکم نیز در آرای خود به این منابع استناد می‌کنند. با این حال در دعاوی مدنی، وحدت رویه قضایی در خصوص قلمرو کاربرد این اصل وجود ندارد. گاه اشخاص حقیقی در مقام اثبات ادعای خود به اصل پیش‌بینی استناد می‌کنند، اما قضات آن را صرفاً از نظر شکلی قابل بررسی دانسته و از دیدگاه ماهوی تأثیری در نتیجه دعوی نمی‌دهند؛ برای مثال در دعاوی مسئولیت ناشی از محصولات معیوب، استناد خواهان به اصل پیش‌بینی برای محکومیت تولیدکننده پذیرفته نشده است (Civ. 1re, 22 janv, 2009 ; 22 mai 2008 ; 27 févr. 2007). در مقابل در دعاوی پزشکی، رویکردی متفاوت دیده می‌شود: دادگاه‌ها در موارد گوناگون رأی خود را بر اساس این اصل صادر کرده‌اند؛ از جمله در پرونده مربوط به قرص‌های جلوگیری از زایمان زودرس، دیوان عالی فرانسه تصریح کرد که تعهد به احتیاط مقتضی آن است که تولیدکننده، خطرات احتمالی برای مصرف‌کنندگان را پیش‌بینی کند و اقدامات لازم برای جلوگیری از ورود زیان را اتخاذ نماید (Civ. 1re, 7 mars 2006 ; 27 févr. 2007 ; 22 mai 2008 ; 22 janv. 2009).

نکته قابل تأمل در تحلیل آرای محاکم فرانسه آن است که در برخی موارد، تحقق مسئولیت مدنی بدون وقوع ضرر بالفعل ممکن گردیده است و حکم به جبران خسارت صرفاً بر پایه عدم رعایت نظامات دولتی یا قصور در اجرای تدابیر احتیاطی صادر شده است؛ نمونه شاخص

این رویکرد رأی صادره از شعبه سوم دیوان عالی فرانسه در تاریخ سوم مارس ۲۰۱۰ است که واجد دلالت‌های آثار فراوانی در توسعه مفهوم پیش‌بینی‌پذیری است. در این پرونده، در مجاورت یک شرکت تولیدکننده آب‌های معدنی، مالک ملک همسایه به حفر چاهی برای آبیاری باغچه خود اقدام کرده بود. شرکت بهره‌بردار از این عمل شکایت کرد و مدعی شد که چنین اقدامی از اسباب آلودگی احتمالی منبع آب معدنی است. دادگاه بدوی دعوی را نپذیرفت و در مرحله فرجام‌خواهی نیز دیوان عالی نظر دادگاه را تأیید کرد؛ با این استدلال که بر اساس نظر کارشناسی، ورود ضرر حتی در حد احتمال معتبر احراز نشده است؛ بدین ترتیب زمینه‌ای برای محکومیت همسایه وجود نداشت. از این رأی چنین استنباط می‌شود که اگر احتمال وقوع ضرر محتمل و قابل توجه از نظر علمی ثابت می‌گردید، دادرس وفق اصل پیش‌بینی، حکم به مسئولیت و الزام به جبران صادر می‌کرد؛ هرچند هنوز زیان بالفعل تحقق نیافته بود (Civ. 3e, 3 mars 2010, Bull. civ. III, no 08-19.108).

تحلیل آزایی قضایی نشان می‌دهد که مفهوم پیش‌بینی در نظام حقوقی فرانسه از محدوده سنتی خود فراتر رفته و به تدریج به قاعده‌ای عام در قلمرو مسئولیت مدنی تبدیل شده است. دادرسان با تکیه بر این اصل، مرز میان تقصیر و احتیاط لازم را گسترش داده‌اند و از آن به مثابه معیاری برای ارزیابی رفتار متعارف بهره‌برده‌اند. نتیجه این تحول آن است که وجود ضرر بالفعل، دیگر شرط انحصاری مسئولیت تلقی نمی‌شود و تخطی از الزامات احتیاط به ویژه در مواردی که امکان بروز زیان قابل توجه از پیش وجود دارد، می‌تواند مبنای مسئولیت باشد. درحقیقت، مرکز ثقل مسئولیت از جبران پسینی به پیشگیری پیشینی انتقال یافته است. استدلال محاکم در این باره بر پایه ارزیابی علمی و عرفی احتمال ضرر استوار است؛ به گونه‌ای که در صورت احراز احتمال معتبر ورود زیان، حتی بدون تحقق واقعی آن، تکلیف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه یا جبران خسارت به وجود می‌آید. در این مسیر، دادگاه‌ها به تدریج میان احتمال صرف و احتمال معتبر و مستند تفکیک قائل شده‌اند و تنها در فرض دوم مسئولیت را مستقر دانسته‌اند. از رهگذر این رویکرد، حقوق فرانسه

چهره‌ای نواز مفهوم تقصیر ارائه داده است که در آن رفتار محتاطانه و علم به خطرات بالقوه همان جایگاهی را دارد که پیش‌تر علم به وقوع ضرر بالفعل داشت.

در نگرش تطبیقی، مبانی مشابهی در حقوق ایران مشاهده می‌شود. قواعدی چون حرمت تعدی و تفریط، منع ضرر و لزوم جلوگیری از زیان احتمالی، به طور ضمنی حاوی اندیشه احتیاط و پیش‌بینی هستند. مطابق مبانی فقهی، هر فرد مکلف است از اقدام یا ترک فعلی که عرفاً موجب تحقق ضرر محتمل می‌شود، خودداری کند، حتی اگر زیان هنوز تحقق نیافته باشد. بر همین اساس، هرگاه بی احتیاطی یا ترک اقدام لازم منجر به قرارگرفتن دیگری در معرض خطر شود، ضمان و مسئولیت در حکم تحقق می‌یابد. این منطق با تفسیر اصولی از مواد قانون مدنی به ویژه قواعد مربوط به تعدی، تفریط و اتلاف، سازگار است و بیان‌کننده حرکت هماهنگ نظام حقوقی ایران با اندیشه پیشگیرانه مسئولیت در حقوق تطبیقی معاصر است. بدین ترتیب در هر دو نظام، اصل پیش‌بینی به منزله عامل تعادل بخش میان آزادی‌های فردی و امنیت اجتماعی عمل می‌کند و از جنبه نظری، گذار از عدالت ترمیمی به عدالت پیشگیرانه را نمایان می‌سازد. این تحول دلالت بر آن دارد که حقوق مسئولیت مدنی دیگر صرفاً ابزار جبران خسارت پس از وقوع نیست، بلکه سازوکاری برای سازمان‌دهی رفتار انسانی در جهت پیشگیری از ورود زیان‌های قابل پیش‌بینی تلقی می‌شود.

### ۳. ماهیت اصل پیش‌بینی

تحلیل ماهوی اصل پیش‌بینی ناظر بر آن است که آیا می‌توان ضرورت پیش‌بینی زیان را به مثابه یک اصل حقوقی با آثار الزام‌آور تلقی کرد؟ هرگاه مفهومی واجد کلیت، عمومیت و استمرار در قلمروهای مختلف حقوق باشد، شأن اصل به خود می‌گیرد. در چارچوب مسئولیت مدنی، این شرایط برای پیش‌بینی زیان فراهم است. قوانین گوناگون در زمینه حفاظت از محیط زیست و سلامت بدون ذکر مصادیق محدود، تکلیف پیش‌بینی خطر را بر عهده اشخاص و مقامات قرار داده‌اند. همین اطلاق و گستردگی نشان می‌دهد که این مفهوم

به حوزه‌های متعددی سرایت پیدا کرده و از مرتبه یک قاعده موردی به مرتبه یک اصل عام ارتقا یافته است. دکترین و رویه قضایی نیز در گسترش قلمرو اجرایی آن نقش مؤثر داشته‌اند؛ به گونه‌ای که این اصل از حوزه عمومی و سیاست‌های محیط زیستی به تدریج وارد قلمرو خصوصی و روابط مدنی میان اشخاص شده است. در نتیجه، صلاحیت و اختیار دولت در تدبیر امور زیان‌زا با مسئولیت افراد در پذیرش تکلیف احتیاطی جمع شده و پیوستار تازه‌ای از مفهوم تقصیر بر پایه رفتار پیشگیرانه شکل گرفته است (Morvan, 1999, p 320). در ادامه باید میان اصل پیش‌بینی و اصل پیشگیری تمایز قائل شد، هرچند در ظاهر قرابت مفهومی میان آنها وجود دارد. اصل پیشگیری مبتنی بر علم و اطمینان از احتمال وقوع زیان است، در حالی که اصل پیش‌بینی در وضعیت تردید و عدم قطعیت نسبت به ضرر محتمل اعمال می‌شود. در واقع در پیش‌بینی، سخن از واکنش حقوقی در برابر خطری است که هنوز اثبات علمی قطعی ندارد؛ اما عرف و تجربه وقوع آن را محتمل می‌داند. بنابراین دادرسی موظف است در مقام دادرسی و تصمیم‌گیری، بی‌توجه به تحقق ضرر بالفعل، رفتار اشخاص را بر سنجه احتیاط و تدبیر ارزیابی کند. چنانچه شخصی بی‌توجه به آثار احتمالی رفتار خود و بدون رعایت اقداماتی که عرفاً برای دفع زیان ضروری است عمل کند، مسئول شناخته می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که اصل پیش‌بینی صرفاً یک نظریه انتزاعی نیست، بلکه مبنایی اثباتی در استدلال‌های دادگاه‌ها دارد. بدین ترتیب نظام حقوقی چه در قالب قواعد فقهی ایران مانند حرمت ضرر و لزوم دفع مفسده و چه در قالب اصول عرفی رفتاری، یکسان بر ضرورت پیش‌بینی و احتیاط تأکید دارد و آن را از مبانی تحول جدید در مفهوم مسئولیت مدنی می‌داند؛ تحولی که هدف آن جلب تعادل میان آزادی‌های فردی و نیاز اجتماعی به امنیت و سلامت جمعی است (Boutonnet, 2005, p 234).

ماهیت اصل پیش‌بینی صرفاً در شناخت نظری آن خلاصه نمی‌شود، بلکه از حیث کارکردی، معیاری برای سنجش رفتار متعارف انسان در موقعیت‌هایی است که امکان وقوع زیان وجود دارد. این اصل، مخاطب خود را به مکلفی تبدیل می‌کند که باید در برابر خطر

محتمل، تصمیمی هوشمندانه و مسئولانه بگیرد. بر مبنای تحلیل حقوقی، پیش‌بینی یعنی ارزیابی عرفی و عقلانی احتمال وقوع ضرر و الزام به اتخاذ تدابیری که مانع از تحقق آن شود. در این نگاه، عنصر علم و آگاهی به امکان ضرر به مثابه نقطه آغاز مسئولیت مدنی است؛ یعنی هرگاه شخصی می‌توانست با توجه به اوضاع و احوال و دانش موجود زیان را پیش‌بینی کند و اقدامی برای پیشگیری انجام نداده باشد، مسئول شناخته می‌شود. این معنا نشان می‌دهد که اصل پیش‌بینی به تدریج از مقام توصیف نظری به سطح قاعده رفتاری الزام‌آور ارتقا می‌یابد و نه تنها در روابط قراردادی، بلکه در اعمال غیرقراردادی نیز کاربرد دارد. اثر چنین تحول مفهومی آن است که حقوق مدنی، مسئولیت را نه به وقوع واقعی خسارت، بلکه به قابلیت عقلانی پیش‌بینی آن منوط می‌سازد و از این رهگذر، قلمرو عدالت پیشگیرانه را جایگزین عدالت صرفاً ترمیمی می‌کند.

در حقوق ایران، مبانی فقهی و قواعد عام مسئولیت مدنی پشتوانه مهمی برای پذیرش ماهیت تکلیفی اصل پیش‌بینی محسوب می‌شوند. فقه امامیه برخلاف ظاهر امر که ممکن است مسئولیت را منوط به تحقق فعلی ضرر بدانند، در موارد متعدد ضمان را به صرف احتمال عقلایی ضرر نیز سرایت داده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۱۲۳). افزون بر این، قاعده تسبیب با معیار عرفی خود، مسئولیت را از دایره تقصیر بالفعل فراتر می‌برد؛ زیرا فقیهان از جمله صاحب جواهر و شهید ثانی، تصریح کرده‌اند که اگر فعل شخص نوعاً منشأ زیان باشد گرچه وقوع ضرر در مورد خاص به طور اتّفاقی محقق شود، ضمان ثابت است؛ به بیان دیگر، معیار قضاء العادة و ظن نوعی در فقه، مصداقی از همان قابلیت پیش‌بینی است. قاعده اتلاف نیز در مواردی که احتمال معقول تفویت مال یا نفس وجود دارد، ترک احتیاط را موجب ضمان می‌داند و شخص را مکلف می‌کند که با رفتار پیشگیرانه، از ورود زیان جلوگیری کند؛ زیرا بر اساس این قاعده، اتلاف به معنای ایجاد مقدمات عرفی تلف نیز سبب مسئولیت است، گرچه نتیجه نهایی هنوز محقق نشده باشد. همچنین قاعده غرور که ضمان را بر عهده فریب‌دهنده یا کسی تحمیل می‌کند که زمینه

اضرار را فراهم کرده است، نمونه‌ای روشن از پذیرش مسئولیت در برابر مخاطرات محتمل است (تسخیری، ۱۴۳۱هـ، ص ۲۳۱). حتی قاعده احسان که ظاهر آن ناظر بر معافیت محسن از ضمان است، در آثار فقهی به شرطی پذیرفته شده است که اقدام محسن برخلاف احتیاطات عقلایی نباشد؛ بدین معنا که ترک پیش‌بینی و رعایت احتیاط، شخص را از شمول این قاعده خارج می‌کند. این مبانی فقهی در مجموع نشان می‌دهند که نظام حقوقی ایران هم در قواعد فقهی و هم در مقرراتی مانند مواد مربوط به تعدی و تفریط، بر لزوم رعایت احتیاط مبتنی بر پیش‌بینی عقلایی تأکید دارد؛ از این رو اگر فردی بتواند با رعایت رفتار متعارف از زیان جلوگیری کند، اما کوتاهی نماید، ضمان بر او مستقر می‌شود؛ اگر ضرر هنوز تحقق خارجی نیافته باشد (خویی، ۱۴۰۴هـ، ص ۲۶۴). این تحول، مفهوم تقصیر را در حقوق ایران از یک معیار صرفاً شخصی به ضابطه‌ای اجتماعی و عقلایی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که مکلف بودن به پیش‌بینی و احتیاط جلوه‌ای از عدالت قراردادی و قهری و بخشی از اخلاق رفتار اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین در هر دو نظام ایران و فرانسه، اصل پیش‌بینی به مثابه معیاری عقلایی و حقوقی برای تنظیم رفتار انسان در برابر خطرات محتمل عمل می‌کند و ضمانت اجرا را از مرحله زیان محقق شده به مرحله خطر نوعی قابل پیش‌بینی گسترش می‌دهد (الجبعی العاملی، ۱۴۱۹هـ، ص ۲۱۳).

#### ۴. جایگاه اصل پیش‌بینی در حوزه سلامت

پژوهشگران در آغاز مطالعات خود به تحلیل و نقد مفهوم پیش‌بینی پرداختند و آن را در جایگاه اصلی نوپدید در عرصه حقوقی مطرح کردند. رفته رفته رویه‌های قضایی در برخی کشورها مسیر پذیرش عملی این اصل را هموار کردند و آرای صادره به تدریج از آن الهام گرفتند. نخستین گام تقنینی برای شناسایی بین‌المللی این مفهوم در معاهده «ماستریخت» هلند دیده می‌شود؛ سندی که برای نخستین بار اصل پیش‌بینی را در چارچوب حقوق عمومی دولت‌ها وارد کرد و سپس زمینه‌ساز پذیرش رسمی آن در نظام قانونی فرانسه شد. قانون‌گذار

فرانسوی به ویژه در حوزه محیط زیست با تأکید بر ضرورت اقدام زود هنگام در برابر خطرات احتمالی و غیرقطعی، اصل پیش بینی را به مثابه قاعده‌ای راهنما در سیاست های عمومی تثبیت کرد. تحولات اخیر نشان داد که دامنه اجرای این اصل از محیط زیست فراتر رفته است و حوزه سلامت عمومی را نیز دربر گرفته است. در شرایط کنونی که بشر با بحران های جهانی همچون بیماری های واگیردار روبروست، اصل پیش بینی جلوه ای تازه از کارکرد خود را نمایان کرده است. مبارزه با همه گیری ها از جمله بیماری کرونا مستلزم آن است که پیش از وقوع خطر قطعی، احتمال شکل گیری وضعیت اضطراری را مبنای تصمیم گیری قرار دهیم (Bouttonnet, 2005, p 234). از دیدگاه حقوقی تردیدی در مشروعیت چنین اقداماتی وجود ندارد؛ زیرا فلسفه وجودی این اصل در پیشگیری از آسیب های جمعی و صیانت از مصالح عمومی نهفته است. سلامت افراد همچون محیط زیست، سرمایه ای مشترک است و هرگونه بی احتیاطی در مواجهه با خطرات بالقوه می تواند مسئولیت مدنی و اخلاقی در پی داشته باشد. بنابراین اصل پیش بینی در حوزه سلامت، بیان کننده تعهد فعالانه دولت ها و اشخاص به اقدام نه انتظار برای اثبات علمی قطعی خطر است. در مواجهه با تهدیدهای سلامت به جای سنجش سود و زیان اقدام، باید تصمیماتی اتخاذ گردد که پاسدار سلامت عمومی باشد. این اندیشه در حقوق تطبیقی به عنوان اصل تعادل میان منفعت و خطر شناخته شده است و مبنای مدل تصمیم گیری محتاطانه در نظام های مدرن تلقی می شود. در بحران هایی مانند کرونا، دو نکته اساسی قابل توجه است؛ نخست: آثار جسمی و زیان های قطعی ناشی از ابتلا که متوجه فرد خواهد بود؛ دوم: ضرورت اقدام پیش دستانه برای جلوگیری از شیوع گسترده بیماری در سطح جامعه. از همین منظر، اصل پیش بینی نه صرفاً آموزه ای نظری، بلکه دستور عملی برای تحقق مسئولیت اجتماعی و حقوقی در پاسداری از سلامت بشر است (Brücker, 2007, p 53).

در جوامع امروزی همواره نمونه هایی وجود دارد که ضرورت اعمال اصل پیش بینی را به شکل عینی نشان می دهد؛ از جمله در یکی از مناطق پاریس، نوع خاصی از بیماری سرطان

در میان گروهی از دانش‌آموزان یک دبیرستان بروز کرد؛ رخدادی که موجب نگرانی عمیق والدین و ساکنان محله گردید. در پی شدت یافتن اضطراب عمومی، شهردار منطقه به منظور پیشگیری از تشدید وضعیت، دستور تعطیلی موقت آن واحد آموزشی را صادر نمود. بررسی‌های کارشناسان که سه سال به طول انجامید، نشان داد منشأ این بیماری مجموعه‌ای از عوامل زیست‌محیطی و ساختاری بوده است. ساختمان دبیرستان در محلی قدیمی قرار داشت که پیش‌تر کارخانه‌ای در آن فعالیت می‌کرد و با وجود تغییر کاربری، تدابیر لازم برای زدودن آثار آلاینده‌ها و فراهم‌سازی شرایط بهداشتی مناسب اتخاذ نشده بود. از سوی دیگر، آلودگی‌های متعددی در محیط پیرامون و تراکم بالای دانش‌آموزان عواملی بودند که زمینه بروز و گسترش بیماری را تشدید کردند. با وجود آنکه تحقیقات علمی دلیل قطعی و نهایی در خصوص علت ابتلا ارائه نکرد، اقدام مقام محلی در بستن موقت مرکز آموزشی از منظر حقوقی و اصول رفتاری دولت‌ها اقدامی منطبق با روح اصل پیش‌بینی ارزیابی می‌شود. هدف از این تصمیم نه صدور قضاوت درباره منبع بیماری، بلکه جلوگیری از وخامت اوضاع جسمی و ایجاد آرامش روانی برای ساکنان منطقه بود. چنین تصمیمی نشان‌دهنده کارکرد عملی اصل پیش‌بینی در حوزه سلامت عمومی است؛ اصلی که اقتضا می‌کند در برابر تردید علمی برای احتمال آسیب، سکوت اختیار نشود و تصمیمات محتاطانه برای حمایت از منافع جمعی اتخاذ گردد (Ewald, Sadeleer, Gollier, 2008, p 258).

در زندگی روزمره عوامل بی‌شماری بر سلامت عمومی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارند و همین گستره وسیع مخاطرات بالقوه سبب شده است تا نظام‌های حقوقی و کارشناسی، نگاه محتاطانه‌تری به این حوزه اتخاذ کنند. در این میان، کارشناسان فرانسوی نمونه شاخص این رویکرد به شمار می‌آیند؛ آنان با دیدی پیشگیرانه، مقررات و مراقبت‌های دقیقی را در حوزه مواد غذایی برقرار کرده‌اند. ضرورت تأمین نیازهای متنوع جامعه ایجاب می‌کند که کشاورزان از انواع ترکیبات شیمیایی در فرایند تولید محصولات استفاده کنند؛ اما همین واقعیت می‌تواند پیامدهایی ناخواسته برای سلامت انسان‌ها در پی داشته باشد. هرچند دانش کنونی قادر

به اثبات قطعی رابطه میان مصرف این مواد و بروز آسیب‌های جسمی نیست، اما بی‌تردید خروج از روند طبیعی رشد و تولید ممکن است آثار زیان‌بار بر مصرف‌کننده بر جای گذارد. بر اساس همین احتمال، اصل پیش‌بینی اقتضا دارد که دو دسته اقدام هم‌زمان در پیش گرفته شود؛ نخست: حمایت و تشویق تولیدکنندگان به بهره‌گیری از روش‌ها و محصولات طبیعی و ارگانیک؛ دوم: گسترش نظام نظارت سخت‌گیرانه بر استفاده از مواد شیمیایی در تمامی مراحل کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی. این سیاست دوگانه از یک سو تضمین‌کننده سلامت عمومی است؛ از سوی دیگر، مانع آسیب‌های بلندمدت بر محیط زیست و منابع زیستی می‌گردد. بدین ترتیب اعمال تدابیر گسترده در زمینه کنترل مواد غذایی، جلوه‌ای از کارکرد عملی اصل پیش‌بینی به شمار می‌آید؛ اصلی که هدف آن پیشگیری از ورود زیان به دیگران، حتی در شرایط تردید علمی نسبت به وجود خطر است؛ زیرا مسئولیت مدنی متجلی در این اصل، هرگونه سهل‌انگاری در برابر احتمال زیان را امری خلاف تعهد اجتماعی می‌داند (Morvan, 1999, p 237).

در تحلیل حقوقی و اجتماعی اصل پیش‌بینی در حوزه سلامت، باید توجه داشت که گستره ارتباط این اصل تنها به مسائل آشکار و بحران‌های عمومی محدود نمی‌شود، بلکه بسیاری از پدیده‌های متداول روزمره نیز در دایره شمول آن قرار می‌گیرند. سلامت جسمی و روانی انسان در تعامل مداوم با محیط پیرامون، محصولات مصرفی و شیوه‌های تولید قرار دارد و همین ارتباط پیوسته است که ضرورت اتخاذ تدابیر احتیاطی را دوچندان می‌کند. تجربه‌های عملی نشان داده‌اند که بی‌توجهی به احتمال خطرهای ناشی از فناوری‌های جدید، مواد افزودنی و تغییرات مصنوعی در فرایندهای زیستی می‌تواند به بروز آسیب‌های گسترده منجر شود؛ حتی زمانی که اثبات علمی این خطرها هنوز کامل نیست. در چنین وضعیتی اصل پیش‌بینی اقتضا می‌کند که تصمیم‌گیرندگان پیش از ظهور ضرر، به گونه‌ای مسئولانه عمل کنند و سیاست‌های کنترلی و تحقیقاتی لازم را مستقر سازند. این اصل نه بر مبنای ترس از علم، بلکه بر پایه احترام به عقل سلیم و مسئولیت اجتماعی شکل گرفته

است و هدف آن جلوگیری از وارد شدن زیان به انسان و محیط زندگی او از رهگذر بی عملی یا بی احتیاطی است. بدین ترتیب اجرای دقیق آن نشانه بلوغ نظام های حقوقی در پاسداشت سلامت عمومی و رعایت حقوق نسل های آینده است (Maljean-Dubois, 2008, p 364).

از منظر نظام مسئولیت مدنی، اصل پیش بینی پیوندی ناگسستنی با اصل لاضرر و قاعده تسبیب دارد؛ زیرا هر دو بر مبنای پیشگیری از زیان و الزام به احتیاط استوارند. هنگامی که امکان زیان برای دیگری وجود دارد، سکوت و بی اعتنائی خود نوعی سببیت محسوب می شود. در این چارچوب، مسئولیت تنها بر ارتکاب فعل زیان بار متکی نیست، بلکه ترک فعل نیز می تواند به همان اندازه موجب مسئولیت باشد. در عرصه سلامت عمومی نیز این اندیشه مصداق بارز دارد؛ جایی که کارگزاران، تولیدکنندگان و دولت ها موظف اند احتمال آسیب را حتی در صورت شک علمی در نظر گیرند و تمهیدهای لازم را اتخاذ کنند. بر اساس همین رویکرد، توصیه به مصرف محصولات طبیعی، توسعه نظام های کنترل کیفی و الزام به رعایت استانداردهای ایمنی در صنایع غذایی یا دارویی نه اقدام احتیاطی صرف، بلکه الزامی حقوقی و اخلاقی به شمار می آید. به بیان دیگر، اصل پیش بینی با تلفیق میان آگاهی عرفی و وظیفه مدنی، نوعی تعهد جمعی برای صیانت از سلامت افراد و جلوگیری از ورود خسارت به جامعه پدید می آورد؛ تعهدی که محور آن مسئولیت در برابر آینده نه صرفاً جبران زیان گذشته است.

از منظر فقه امامیه، حوزه سلامت عمومی از قلمروهایی است که اصل پیش بینی در آن بیشترین انطباق را با قواعد بنیادین شریعت می یابد؛ زیرا حفظ جان و سلامت انسان از مهم ترین مقاصد شریعت و در زمره ضروریات پنج گانه محسوب می شود. قواعدی همچون لاضرر و تسبیب به صراحت رفتار یا ترک رفتاری را که عرفاً منشأ احتمال زیان جانی یا جسمی باشد، موجب ضمان می دانند؛ حتی اگر وقوع ضرر به صورت قطعی احراز نشود. فقیهانی مانند صاحب جواهر و شهید ثانی نیز در بحث ضمان ناشی از اسباب، معیار قضاء العادة و ظن نوعی را مبنا قرار داده اند (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ص ۲۶۴)؛ بدین معنا که هرگاه عادت عقلایی بر آن باشد که فعل یا ترک فعل نوعاً به زیان منجر می شود، مکلف موظف به

احتیاط است. این مبانی در حوزه سلامت جلوه‌ای روشن دارد؛ زیرا بی‌توجهی به احتمال سرایت بیماری، مصرف مواد زیان‌بار یا ایجاد شرایط نامناسب بهداشتی در صورت نبود اثبات علمی قطعی از دیدگاه فقهی نوعی تقصیر و موجب ضمان تلقی می‌شود. افزون بر این، قاعده حفظ نفس محترمه که از ادله متعدد شرعی استنباط شده است، بر مکلف بودن اشخاص و دولت‌ها به دفع ضرر محتمل از جان انسان دلالت می‌کند و بر پایه آن، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه نه تنها مجاز بلکه واجب است. همچنین قاعده سدّ ذرایع که در فقه برای جلوگیری از مفساد محتمل به کار می‌رود، اقتضا دارد که هر وسیله یا شرایطی که احتمال ایجاد خطر برای سلامت جامعه دارد، محدود یا ممنوع شود (حلی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۹۶). مجموع این قواعد نشان می‌دهد که اصل پیش‌بینی در حوزه سلامت، ریشه‌ای عمیق در فقه دارد و شریعت اسلامی پیش از نظام‌های حقوقی معاصر، مسئولیت در برابر خطرات احتمالی را به مثابه یک تکلیف شرعی، اخلاقی و اجتماعی بر عهده افراد و کارگزاران نهاده است.

هرچند عنوان اصل پیش‌بینی به صورت اصطلاحی در متون کلاسیک فقه امامیه مطرح نشده است، اما بررسی نظام‌مند قواعد ضمان و مسئولیت در فقه نشان می‌دهد که این اصل به عنوان یک منطق حاکم بر رفتار مکلفان، در لایه‌های عمیق فقه حضور دارد. فقه امامیه مسئولیت را صرفاً به تحقق ضرر بالفعل محدود نمی‌کند، بلکه در موارد متعدد احتمال عقلایی ورود زیان را نیز منشأ تکلیف و گاه ضمان می‌داند. این رویکرد به‌ویژه در قواعدی چون تسبیب و اتلاف به‌روشنی مشاهده می‌شود؛ جایی که فقیهان تحقق ضمان را منوط به مباشرت مستقیم در ایجاد زیان ندانسته‌اند، بلکه ایجاد یا استمرار وضعیتی که عرفاً نوعاً منتهی به ضرر می‌شود را نیز کافی تلقی کرده‌اند. بر این اساس، ترک پیش‌بینی خطرات متعارف و عدم اتخاذ تدابیر احتیاطی، می‌تواند مصداق سبب عرفی محسوب شود؛ حتی اگر نتیجه زیان‌بار در اثر عوامل بعدی یا به‌تدریج محقق گردد. افزون بر این، قاعده حفظ نفس محترمه که از ادله شرعی متعدد و سیره قطعی عقلا استنباط شده است،

جایگاه ویژه‌ای در تحلیل فقهی اصل پیش‌بینی دارد. بر پایه این قاعده، هرگونه رفتار یا ترک رفتاری که احتمال عقلایی تهدید جان یا سلامت انسان‌ها را در پی داشته باشد، ممنوع و مستوجب مسئولیت است. اهمیت این قاعده در حوزه‌هایی مانند سلامت عمومی، محیط زیست و فعالیت‌های پرخطر دوچندان می‌شود؛ زیرا در این موارد، تعلل در اقدام و انتظار برای احراز قطعیت علمی، خود می‌تواند زمینه‌ساز ورود خسارات جبران‌ناپذیر گردد. از همین منظر، فقه امامیه اقدام پیش‌دستانه را نه صرفاً یک توصیه اخلاقی، بلکه در مواردی تکلیف شرعی تلقی می‌کند.

قاعده سدّ ذرایع نیز در جایگاه یکی از ابزارهای پیشگیرانه فقه، نقش مهمی در تبیین اصل پیش‌بینی ایفا می‌کند. این قاعده ناظر بر آن است که هرگاه یک وسیله، فعالیت یا وضعیت، احتمال معقول افضای به مفسده یا ضرر مهم را داشته باشد، باید پیش از تحقق نتیجه زیان‌بار، محدود یا متوقف شود. کاربرد این قاعده در مسائل مستحدثه به‌ویژه در حوزه سلامت و فناوری‌های جدید، نشان می‌دهد که فقه امامیه به خوبی ظرفیت مواجهه با شرایط عدم قطعیت و خطرات احتمالی را داراست و مسئولیت را به مرحله پیش از تحقق ضرر گسترش می‌دهد. در نهایت مفهوم احتیاط در اصول فقه به مثابه یک مبنای عقلایی و شرعی، پشتوانه نظری اصل پیش‌بینی را تکمیل می‌کند. بر اساس این مبنا، در موارد تزاخم میان احتمال ضرر و منفعت، دفع مفسده محتمله بر جلب منفعت مقدّم دانسته شده است. این قاعده اصولی به‌ویژه در حوزه‌هایی که با جان، سلامت و منافع عمومی مرتبط‌اند، اقتضا می‌کند که تصمیم‌گیرندگان و اشخاص به جای انتظار برای قطعیت، بر اساس احتمال عقلایی خطر اقدام نمایند. بدین ترتیب می‌توان گفت فقه امامیه همسو با تحولات حقوق تطبیقی، مسئولیت مدنی را از نهادی صرفاً جبرانی به سازوکاری پیشگیرانه و آینده‌نگر ارتقا داده است؛ سازوکاری که محور آن تعهد به پیش‌بینی و احتیاط در برابر خطرات محتمل است و صرفاً پاسخ به زیان‌های تحقق‌یافته مدنظر نیست.

## نتیجه

اصل پیش‌بینی در حقوق معاصر نه تنها یک قاعده احتیاطی، بلکه نمادی از جابجایی بنیادین در فلسفه مسئولیت محسوب می‌شود؛ زیرا به جای تمرکز صرف بر جبران خسارت، بر جلوگیری از تحقق آن استوار است. در این چارچوب، مسئولیت مدنی از یک واکنش به واقعه زیان‌بار به یک نظام نظارت‌گر و آینده‌نگر تبدیل می‌شود که هدف آن مهار خطرات بالقوه پیش از وقوع است. مبنای نظری این تحول در درک جدید از رابطه انسان و جامعه نهفته است، جایی که رفتار فرد دیگر در خلأ و صرفاً مبتنی بر اراده شخصی معنا ندارد، بلکه در شبکه‌ای از روابط اجتماعی و اقتصادی سنجیده می‌شود. مفهوم پیش‌بینی در واقع ابزار تنظیم عقلانی این روابط است؛ چراکه الزام به ارزیابی احتمال وقوع خطر، افراد و نهادها را به رعایت استانداردهای رفتاری و تصمیم‌گیری مسئولانه وادار می‌سازد. چنین تحلیلی گویای آن است که عدالت در حقوق جدید نتیجه مداخله آگاهانه و پیش‌دستانه در فرایندهای اجتماعی است، نه محصول تصادف یا مجازات پس از خطا. بر این اساس، قانون‌گذار از مرحله کنترل رفتارهای غلط به مرحله هدایت رفتارهای آینده عبور کرده و نظام مسئولیت را به سازوکاری پویا و اصلاحی بدل کرده است که در آن پیش‌بینی خطر خود جلوه‌ای از عدالت تلقی می‌گردد.

در حوزه نظری، اصل پیش‌بینی بازتابی از تحول اندیشه حقوقی از اصالت اراده فردی به اصالت نظم اجتماعی است. دیدگاه‌های کلاسیک که بر آزادی اراده و مسئولیت ناشی از قصد تأکید داشتند، به تدریج جای خود را به دیدگاهی داده‌اند که ارزش رفتار انسانی را در تعامل با نتایج اجتماعی آن می‌سنجد. از این منظر، بی‌توجهی به آثار بالقوه رفتار یا تصمیم، نوعی خطای حقوقی تلقی می‌شود؛ حتی اگر از نظر نیت شخصی بی‌تقصیر باشد. این تغییر جهت فلسفی، حقوق را از سطح فردی به سطح جمعی ارتقا می‌دهد و به آن کارکرد پیشگیرانه و کنترلی می‌بخشد. اصل پیش‌بینی در چنین بستر تحلیلی، به عنوان محور مسئولیت مدنی نوین عمل می‌کند؛ زیرا میان دانش، اخلاق و حقوق پلی برقرار می‌سازد. این اصل به تصمیم‌گیری منطقی، استفاده محتاطانه از فناوری و احترام به منافع عمومی معنا می‌دهد و از جامعه می‌خواهد که خطر رانه پس از وقوع،

بلکه پیش از پیدایش آن مهار کند. بدین ترتیب مسئولیت مدنی از وضعیتی منفعل به موقعیتی فعال و سازنده تبدیل می‌شود؛ موقعیتی که غایت آن نه فقط پاسخ به زیان، بلکه برقراری عدالت پیشگیرانه و تضمین امنیت اجتماعی در عرصه‌های انسانی و نهادی است.

اصل پیش‌بینی در مرحله دوم تحول خود از یک قاعده ناظر بر رفتارهای احتیاطی به یک معیار تحلیلی برای بازسازی مفهوم مسئولیت مدنی تبدیل شده است. در این مرحله، اندیشه حقوقی به درک این نکته رسیده که پیش‌بینی‌پذیری خطر نه تنها شرط احتیاط بلکه شرط عدالت است؛ زیرا بدون ارزیابی عقلانی و پیش‌نگر نسبت به زیان‌های ممکن، نظام مسئولیت به واکنشی صرف در برابر گذشته فروکاسته می‌شود و توان اصلاح ساختارهای اجتماعی را از دست می‌دهد. از دیدگاه تحلیلی، اصل پیش‌بینی جریان مسئولیت را از انفعال به کنش منتقل می‌کند؛ یعنی حقوق از حالت جبران‌کننده به حالت تنظیم‌کننده گذر می‌کند و این گذر در حکم تغییر جهت فلسفه حقوق از ترمیم‌پسین به جلوگیری پیشین است. در این مسیر، مفهوم پیش‌بینی نه صرفاً ابزار تکنیکی، بلکه صورت جدیدی از عقلانیت حقوقی است؛ عقلانیتی که رفتار انسان و نهاد را در نسبت با آثار اجتماعی آن ارزیابی می‌کند و از علم، اخلاق و نظم عمومی برای تعیین حدود مسئولیت بهره می‌گیرد. همین تحول باعث شده است ارکان سنتی مسئولیت همچون تقصیر و رابطه سببیت، در پرتو ارزیابی خطر و میزان پیش‌بینی‌پذیری بازتفسیر شوند. گاه ممکن است شخصی بدون رفتار خطاآمیز، ولی بر اثر بی احتیاطی یا بی‌تحلیل در برابر پیامدهای ممکن، مسئول شناخته شود؛ زیرا معیار قضاوت از نیت یا عمل منفرد به دوراندیشی و ارزیابی خطر منتقل شده است.

در نتیجه اصل پیش‌بینی به میزان بالایی با مفهوم نظم اجتماعی و عدالت پیشگیرانه پیوند یافته است. نظام‌های حقوقی که این اصل را پذیرفته‌اند به ویژه در حوزه حفظ محیط زیست، سلامت عمومی و فناوری‌های نو، مسئولیت مدنی را چونان ابزاری برای سیاست‌گذاری اجتماعی به کار گرفته‌اند. بر اساس این نگرش، حقوق باید هزینه‌های پیشگیری از زیان را بخشی از عدالت بدانند؛ زیرا پیشگیری از یک خطر بالقوه همان اندازه ارزشمند است که

جبران ضرر محقق شده. این تحول نشان می‌دهد عدالت مدنی در دنیای معاصر، مفهومی ایستا نیست، بلکه فرایندی است برای حفظ تعادل میان آزادی عمل و امنیت اجتماعی. پژوهش‌های تطبیقی میان نظام‌های ایران و فرانسه نیز همین معنا را تأیید می‌کند: در هر دو نظام، پیش‌بینی‌پذیری خطر به عنوان شرط تحقق مسئولیت پذیرفته شده و وظیفه مراقبت پیش‌دستانه به مثابه تکلیف مشترک اشخاص و نهادها شناخته می‌شود. بدین‌گونه اصل پیش‌بینی نه تنها معیار سنجش رفتارها، بلکه فلسفه‌ای نو برای بازتعریف عدالت در حقوق مدنی است؛ فلسفه‌ای که هدف آن پیشگیری از رنج، حفظ منافع عمومی و بنیان‌گذاری مسئولیت آگاهانه در ساختارهای اجتماعی و انسانی است.

### تقدیر و تشکر

از داوران محترم و سردبیر گرامی که با دقت علمی و نکات راهگشای خود زمینه ارتقای کیفیت این مقاله را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

### منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی خاصی از هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده و تمامی هزینه‌های مرتبط با آن توسط نویسندگان تأمین گردیده است.

### مشارکت نویسندگان

کلیه مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، گردآوری و تحلیل داده‌ها، نگارش و بازبینی متن، به‌طور مشترک توسط نویسندگان مقاله انجام شده است.

### تضاد منافع

نویسندگان پژوهش تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافع (مالی، شخصی، حرفه‌ای یا دیگر روابط) که بتواند بر نتایج یا تفسیرهای ارائه شده در این پژوهش تأثیر بگذارد، وجود ندارد.

## کتاب‌نامه

۱. اسماعیلی، محسن. (۱۳۷۷ ه.ش). نظریه خسارت. تهران: امیرکبیر.
۲. تسخیری، محمدعلی. (۱۴۳۱ ه.ش). القواعد الاصولیة و الفقهیة. ج ۳. [بی‌جا]: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامیة.
۳. تنک، آندره. (۱۳۹۸ ه.ش). مبانی و اصول مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی. مترجمان: سیدحسین صفایی و سیداحسان حسینی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. الجبعی العاملی، زین العابدین علی ابن احمد. (۱۴۱۹ ه.ش). مسالک الافهام. ج ۱۵. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۵. حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری. (۱۴۰۴ ه.ش). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. ج ۴. ج ۱. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۶. خوبی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۴ ه.ش). مصباح الفقاهة. مقرر: محمدعلی توحیدی. ج ۱. قم: مؤسسه انصاریان.
۷. صفایی، سیدحسین؛ و حبیب الله رحیمی. (۱۳۹۵ ه.ش). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). ج ۹. تهران: سمت.
۸. غمامی، مجید. (۱۴۰۱ ه.ش). قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی. ج ۲. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳ ه.ش). فلسفه حقوق: منابع حقوق. ج ۵. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۳۷۴ ه.ش). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۱. میرشکاری، عباس؛ و افروز صمدی. (۱۳۹۵ ه.ش). اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ه.ش). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ج ۳۷. ج ۷. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۷ ه.ش). حقوق تعهدات: قواعد عمومی مسئولیت مدنی. ج ۲. تهران: میزان.

## Ouvrages

- Boutonnet, Mathilde, (2005), Le principe de précaution en droit de la responsabilité, Paris, LGDJ
- Gilles, Martin, (2005), Principe de précaution, prévention des risques et responsabilité : quelle novation, quel avenir ? , n 40 AJDA, Dalloz
- Maljean-Dubois, Sandrine, (2008), Quel droit pour l'environnement ? Paris, Hachette Supérieur
- Foucher, Karine, (2002), Principe de précaution et risque sanitaire, Recherche sur l'encadrement juridique de l'incertitude scientifique, Paris, l'harmattan
- Ewald, François, Sadeleer, Nicolas, Gollier, Christian, (2008), Le principe de précaution, Paris, PUF

Fabre-Magnan, Muriel, (2013), Droit des obligations, Droit des obligations Contrat et engagement unilatéral, Presses Universitaires de France - P.U.F.

Morvan, Patrick, (1999), Le principe de droit privé, Panthéon-Assas

Mazeaud, Denis, (2001), Responsabilité civile et précaution RCA, n 6, pp. 65-78

Brücker, Gilles, (2007), Vers des démarches d'expertise partagée , Epidémiologique Hebdo., févr

Brücker, Gilles, (2007), Réflexions sur l'application du principe de précaution au domaine de la santé , Recueil Dalloz

## **Jurisprudence**

Civ. 1re, 22 janv. 2009, 22 mai 2008 et 27 févr. 2007

Civ. 1re, 7 mars 2006, 27 févr. 2007, 22 mai 2008 et 22 janv. 2009

Cass civ 3e, 3 mars 2010, (2010) Bull civ III, n° 08-19.108.